بررسی پرسش مهر رئیس جمهور درباره میزان مهارت آموزی دانش آموزان در مدارس

توقع باطل!

سپیده حسینی | دانشجوی دکترای روان شناسی بالینی در دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

محوری

یکی از مهم‌ترین خبرهای امیدوار کننده در چند روز اخیر، پرسش مهر است که از سوی رئیس جمهور به مناسبت آغاز سال تحصیلی جدید مطرح شد. سوالی با این مضمون که سال گذشته چه مهارت‌هایی در مدرسه آموختید و برای امسال چه انتظاراتی دارید؟ کدام معلم به شما مهارت بیشتری آموخت؟ کدام مهارت را برای آینده زندگی خود مهم می‌دانید؛ از مهارت‌های بسیار ساده تا پیچیده. در ادامه مطلب نگاهی روان شناسانه به این سوال خواهیم داشت و از ضرورت پاسخ دادن به آن خواهیم گفت. سوالی که با توجه به سیستم آموزشی کشور و خالی بودن جای آموزش مهارت‌ها در آن، توقع یافتن پاسخ مناسب برای آن منطقی به نظر نمی رسد.

قدم بعدی چیست؟

این روزها روی در و دیوار شهرهای مختلف کشور، جملات امیدوار کننده و زیبای زیادی به چشم می‌خورد و از رسانه‌ها به گوش می‌رسد.

از این جمله می‌توان به تبلیغ‌های تلویزیونی با عنوان «زندگی خالی نیست، مهربانی هست» و تابلوهایی که در سراسر تهران به چشم می‌خورند با عناوینی درباره «بیایید گفت و گو کنیم»، «کجا گفت و گو کنیم؟»، «با چه کسی گفت و گو کنیم؟» و... اشاره کرد.

تمام این‌ها فرهنگ سازی در زمینه صحبت کردن صحیح را به ذهن متبادر می کند به طوری که باور کنیم کمتر زور بازو در روابط به کار می‌آید. اما این سؤال مطرح است که این گام بعدی چیست؟ چه زمانی این گام عملیاتی می‌شود؟ اصلا آیا برای بعد از این هم برنامه ریزی شده است؟ امیدوار باشیم یا نه؟

پرسشی که نمی‌توان به آن پاسخ داد

این تلاش برای فرهنگ سازی در کنار پرسش مهر رئیس جمهور از این نظر امیدوار کننده است که به نظر می‌رسد مسئولان به خلأها و کمبودهای نهفته در سیستم‌های بنیادین کشور از جمله آموزش و پرورش توجه دارند و حداقل متوجه آن شده‌اند اما آن چه مسبب شگفتی است، میزان امید بیش از حد و نامتناسب نهفته در این سؤال است چرا که با توجه به پروتکل‌های آموزشی کنونی در مدارس، جای مهارت‌ها آن قدر خالی است که بعید به نظر می‌رسد دانش آموزان در پاسخ به این پرسش به مشکل برنخورند.

دانش آموزانی که تبدیل به روبات می‌شوند

ای کاش فردی برای عمل کردن آستین بالا بزند، متخصص‌ها را در این حوزه جست و جو و پیدا کند، گروه تشکیل دهد، فکر و تحقیق کند، نیازها و کمبودها را شناسایی و برنامه‌ای متناسب برای آن‌ها بریزد و اجرا کند. مسئله خلأ و کمبود در زمینه مهارت‌ها نه موضوع تازه‌ای است و نه کم اهمیت، منتهی آن قدر در طول سال‌ها آمدند و گفتند و رفتند و هیچ نشد که مانند یک سناریوی غم انگیز تکراری به آن عادت کرده و گویی آن را به عنوان سرنوشت محکوم به شکست مان پذیرفته ایم.

این موضوع در نظام آموزش و پرورش ما هم گریبان پرورش و هم آموزش را گرفته است، چرا که به رغم پیشرفت نظریه‌ها و پژوهش‌ها در زمینه روند تحول کودک و روش‌های یادگیری متناسب با آن، همچنان به روش‌های آموزشی خشک و مبتنی بر انتقال اطلاعات کلامی چسبیده ایم و با هنجارسازی نادرست در زمینه برتری برخی دروس و رشته‌ها بر برخی دیگر، منجر به نادیده گرفتن حقیقت منحصر به فرد هر انسان شده و تبدیل به کارخانه‌ای گشته ایم که بالاترین دستاوردش تولید روبات‌هایی است که خودشان و استعدادهایشان را در لابه لای هنجارهای زودرس تزریق شده به مغزشان گم کرده‌اند که صرف نظر از رسیدن به موفقیت مد نظر کارخانه و جامعه، استعدادهای ذاتی خود را قربانی ساخته و شاید هیچ وقت فرصت کشف آن را نداشته‌اند.

مهارت‌هایی که باید آموزش داده شوند

حال اگر نیم نگاهی به جای خالی مهارت‌ها در حوزه پرورش بیندازیم، اوضاع تاسف بارتر نیز جلوه می کند. پرورش مهارت‌های خود مراقبتی، روان شناختی و اجتماعی همان چیزی است که مدرسه را محل آماده سازی ورود کودک و نوجوان به دنیای بزرگ‌تر اجتماعی می‌سازد. حال با چنین فقدانی می‌توان چه انتظاری داشت؟ از آن جا که کودک و نوجوان به دنیای گسترده‌تر بزرگ سالان و همسالانی وارد خواهد شد که آن‌ها نیز به واسطه زندگی در جامعه‌ای یکسان متقابلا در زمینه چنین مهارت‌هایی کمبود دارند. پس هر فرد علاوه بر این که قربانی پیامدهای نقص مهارت‌ها در سطوح کلان‌تر اجتماعی می‌شود، خود نیز به یک آسیب رسان تبدیل خواهد شد. مهارت‌های بسیاری وجود دارند که در صورت آموزش داده شدن در مدارس و تمرین آن‌ها به روش‌های مناسب، می‌توانند رشد کنند و پس از چندین نسل تبدیل به فرهنگی شوند که آرامش و امنیت بیشتری را برای همگان به ارمغان آورند. تعدادی از این مهارت‌ها عبارتند از: خودآگاهی (آگاهی از وجوه مختلف خود از جمله هیجانات و باورها)، همدلی (توانایی دیدن جهان از چشم شخصی دیگر و احساس کردن همانند او)، تنظیم هیجانی (مدیریت کردن میزان هیجانات و ابراز متناسب آن‌ها مثل خشم)، گفت و گو (توانایی گوش کردن و صحبت کردن صحیح)، حل تعارض (حل اختلافات به صورت منطقی و منصفانه)، جرئت مندی (توانایی ابراز حقوق، نیازها و خواسته‌های خود در عین محترم شمردن حقوق و نیازهای دیگران)، خودمراقبتی جنسی (یادگیری حدود و مرزهای خصوصی بدن خود و اجازه ندادن به فردی دیگر برای ورود به این حریم مشخص شده) و....

راهکار کاهش خشم در جامعه

با توجه به مهارت‌های مطرح شده فوق، مسئله خشونت را در نظر بگیرید که این روزها نمود بیشتری در بین مردم و کارشناسان پیدا کرده است. به نظر شما در جامعه‌ای با سطوح بالای خودآگاهی، همدلی، تنظیم هیجانی، جرئت مندی و... چقدر خشونت وجود خواهد داشت؟ چه تعداد متجاوز؟ به چه میزان قربانیانی که دم بر نمی‌آورند و با سکوت خود چرخه خشونت را تدام می‌بخشند؟ در چنین جامعه‌ای که خودآگاهی، همدلی و گفت و گو زیرساخت‌های روابط است، چقدر به زور بازو نیاز خواهیم داشت؟

> **پرسش مهر رئیس جمهور از این نظر امیدوار کننده است که نشان می‌دهد مسئولان به خلأها و کمبودهای نهفته در سیستم‌های بنیادین کشور از جمله آموزش و پرورش توجه دارند اما با توجه به پروتکل‌های آموزشی کنونی در مدارس، جای مهارت‌ها آن قدر خالی است که بعید به نظر می‌رسد دانش آموزان در پاسخ به این پرسش به مشکل برنخورند.**

بیایید تجدید نظر اساسی کنیم

با تمام تفاسیر فوق می‌توان گفت در شرایط کنونی و در عصر حاضر وقت آن رسیده که به جای چسب زخم زدن به تومورهایی که نیازمند جراحی است، صورت مسئله را پاک نکنید. وقت آن رسیده که علاوه بر انواع درمان‌ها و روش‌های کنترل افراد از جمله جریمه‌های نقدی و محدودیت‌های فیزیکی (زندان)، سرمایه گذاری‌های مالی و روانی خود را بر حوزه پیشگیری متمرکز سازیم. دستاوردهای سیستم آموزشی موجود فریاد می‌زند که نیازمند تجدید نظر فوری و اساسی است. عزیزان، بزرگواران و مسئولان، بیایید نیازسنجی، برنامه ریزی و اجرا کنیم... لطفا اجرا کنیم....

چهارشنبه‌ها
دکوراسیون داخلی

چیدمان اصولی اتاق دانش آموز

راحله عجم اکرامی
طراح و ایده پرداز در زمینه دکوراسیون داخلی

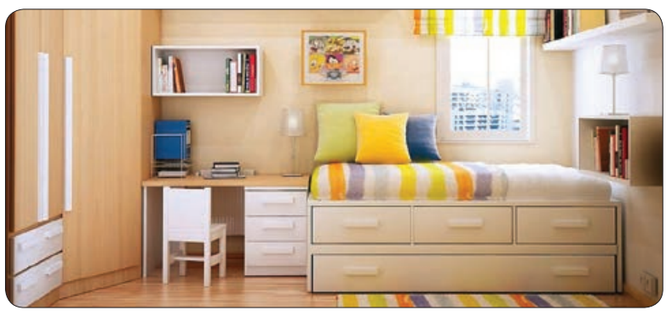

مناسبتی

با شروع سال تحصیلی، توجه به دکوراسیون اتاق دانش آموزان رنگ و بوی تازه به خود می‌گیرد. شاید بخواهید اتاق فرزند دلبندتان را برای رسیدن به موفقیت‌های بیشتر با سبکی خاص‌تر از گذشته بچینید. باید به شما بگویم برای رسیدن به این مهم نیاز است قدری به صورت تخصصی‌تر به این موضوع نگاه شود. اگر تصمیم دارید فضا را برای یک دختر نوجوان یا یک پسر نوجوان طراحی کنید، باید به شما بگویم ایده پردازی و رنگ آمیزی در هر کدام از این دو فضا متفاوت است. استفاده از رنگ آبی، قهوه ای، مشکی و رنگ‌های با تناژ رنگی تیره می‌تواند ایده مناسبی برای اتاق پسرها باشد. از سوی دیگر رنگ صورتی ملایم، طلایی، زرد و رنگ‌های پاس زمینه شادتر انتخاب ایده آل تری برای دخترخانم‌ها محسوب می‌شود.

اصول دکوراسیون اتاق دخترها برای مطالعه

به شما استفاده از رنگ طلایی و سفید را برای اتاق دخترخانم‌ها در مرحله اول پیشنهاد می کنیم. این کار به باشکوه شدن فضا بسیار کمک می کند. برای شروع شما می‌توانید از یک پرده ریشه‌ای با تم رنگی طلایی استفاده کنید. سرویس چوب را که شامل میز تحریر، صندلی، کمد، تختخواب و یک کتابخانه است، با تناژ رنگی سفید انتخاب کنید. این کار به روشن‌تر شدن دکوراسیون اتاق و پرانرژی‌تر شدن فضا بسیار کمک می کند. برای تزیین اتاق استفاده از گلدان‌های طلایی با گل‌های آپارتمانی را توصیه می کنیم. روتختی سفید با رگه‌های طلایی در کنار آباژورهای رومیزی لوکس با تم طلایی می‌تواند انتخاب لوکسی برای اتاق مطالعه دختر شما باشد.

اصول دکوراسیون اتاق پسرها برای مطالعه

پسرها مانند دخترها در دکوراسیون داخلی زیاد دقیق نمی‌شوند اما به شما توصیه می کنیم برای ایجاد انگیزه بیشتر با شروع سال تحصیلی جدید اتاقی خاص را مهیا کنید. برای این منظور شما می‌توانید از شخصیت‌های داستانی که پسر خانواده به آن علاقه دارد کمک بگیرید و با آن سبک دکوراسیون را آغاز کنید. می‌توانید از رنگ مشکی برای سرویس چوب اتاق استفاده کنید و از روتختی‌هایی که با شخصیت‌های کارتنی متناسب با سن نوجوان شما طراحی شده است نیز کمک بگیرید.

کار دیگری که در این زمینه به شما توصیه می‌شود، ایده پردازی با ورزش مورد علاقه پسرهاست.

به عنوان مثال بازیگر محبوب یا بازیکن محبوب یک تیم می‌تواند طراحی‌های بسیار خاصی را برای ایده پردازی متفاوت به شما ارائه دهد. استفاده از پوسترهای بزرگ و توجه به دکوراسیون‌های خاص، سبب می‌شود انگیزه فرزند شما برای ماندن در اتاق و مطالعه بیشتر تقویت شود.

ایده پردازی برای یک طراحی متفاوت

در کنار طرح‌های ارائه شده، به شما توصیه می کنیم زیاد فضا را شلوغ نکنید تا تمرکز لازم برای مطالعه در فصل امتحانات از بین نرود. همان طور که در تصویر مشاهده می کنید، رنگ کرم قهوه‌ای با استفاده از ایده پردازی رنگین کمانی روی تخت و دیگر وسایل استفاده شده است. این فضا می‌تواند ایده مناسبی برای دکوراسیون اتاق نوجوان دختر یا پسر شما محسوب شود. استفاده از تختخواب‌های کشودار سبب می‌شود نظم بیشتری در فضا حاکم شود. همچنین می‌توانید از یک کمد برای آویز کردن لباس‌های فرم مدرسه نیز کمک بگیرید. میز تحریر را یکی از شاخص‌های اصلی دکوراسیون در نظر بگیرید. این موضوع به آرامش بیشتر نوجوان شما در عین مطالعه بسیار کمک می کند. اگر اتاق پنجره دارد بهتر است میز تحریر در آن قسمت قرار بگیرد تا نورپردازی بهتری برای مطالعه به دست آید. امید است راهنمایی‌های ارائه شده و ایده پردازی‌های صورت گرفته توسط شما سال تحصیلی موفقیت آمیزی را برای فرزندتان رقم بزند.

نیاز شوهرم به رابطه زناشویی بسیار کم است

شوهرم دکتر و پنج سال است که با هم زندگی می کنیم. در این پنج سال، حتی یک رابطه زناشویی دلچسب نداشتیم. قبلا شاید ماهی یک بار و الان با اصرار من، شاید ماهی دو بار. آیا این میزان کم از نیاز برای یک مرد طبیعی است؟ من باید چه کار کنم؟ از این شرایط ناراحتم.

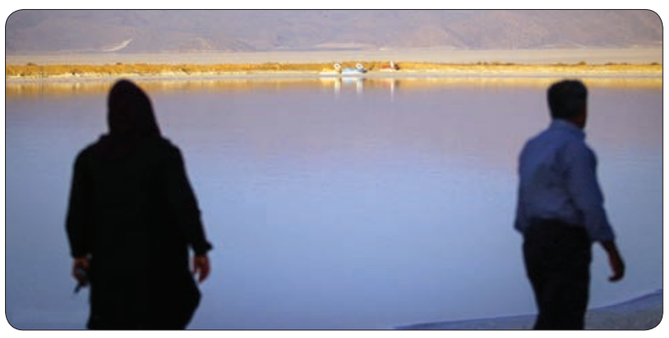

دکتر سیدعلی ظریف | مشاور خانواده

مشاوره زوجین

رابطه عاطفی عمیق بین زن و شوهر، اصلی‌ترین پایه رابطه زناشویی و یکی از پراهمیت‌ترین جلوه‌های خوشبختی و احساس آرامش در زندگی است. به طور مثال، به دلیل ایجاد تغییرات در بدن یا در نوع تمایلات جنسی و...، رابطه جنسی می‌تواند هر بار متفاوت باشد و در طول زندگی تغییر کند و همچنین ممکن است برخی افراد برای مدت زمان کوتاه یا حتی طولانی از رابطه با همسرشان سر باز بزنند.

۳ احتمال درباره شوهرتان

توجه کنید که هم زن و هم شوهر، هر بار که رابطه زناشویی برقرار می کنند، باید رضایت داشته باشند و احساس راحتی کنند. رضایت دو طرفه یعنی هر دو نفر می‌خواهند که با هم تماس داشته باشند و هر دو طرف می‌توانند هر زمانی که بخواهند تماس را متوقف کنند. اگر همسرتان از اول آشنایی با شما رابطه زناشویی نرمالی را ایجاد نکرده است، سه احتمال وجود دارد:

اول این که همسر شما فردی سرد مزاج است و هیچ علاقه ای به برقراری رابطه زناشویی ندارد یا از یک اختلال جنسی رنج می برد.

دوم این که همسر شما به دلیل مشغله کاری و گرفتاری های شغلی از رابطه زناشویی پرهیز می کند.

سوم هم این که شوهر شما از برقراری رابطه زناشویی با شخص شما دوری می کند.

از شما می‌خواهم که برای حل ریشه‌ای این مشکل، ابتدا علت را در این سه قسمت جست و جو کنید. به نظرتان و با توجه به شواهد دیداری و شنیداری تان، کدام دلیل محتمل‌تر به نظر می‌رسد؟

توصیه‌هایی برای ترغیب شوهرتان

در ادامه مطلب چند راهکار بیان می کنم و می گویم که چگونه می‌توانید کاری را انجام دهید تا شوهرتان به رابطه زناشویی ترغیب شود و هر دو نفرتان لذت بیشتری از زندگی مشترک ببرید. توجه داشته باشید که این یک نیاز طبیعی است و پاسخ به آن هم ضروری.

خیلی شتاب زده رفتار نکنید

کاری که باید انجام دهید این است که سرعت رفتارتان را پایین بیاورید و توقع این را نداشته باشید که خیلی زود به نتیجه برسید. گاهی نپذیرفتن درخواست شما ممکن است علامتی باشد که شوهرتان قبل از رابطه زناشویی می‌خواهد به او زمان بدهید. گاهی از این تقاضای دعوت‌ها، صرف نظر کنید و به یاد داشته باشید که مردها در ورای دوست داشتن رابطه زناشویی مسائل عاطفی را دنبال می کنند.

از شوهرتان در این باره سوال کنید

درباره کمبودها و کاستی های رابطه تان از او سوال کنید. نقطه ضعف های خودتان را پیدا کنید و برای برطرف کردن آن‌ها قدم بردارید.

به علایق شوهرتان توجه کنید

به علایق و رفتارهای زناشویی همسرتان اهمیت دهید. به دنبال آن باشید که همسرتان از انجام چه عملی لذت می برد و آن را در اولویت رابطه زناشویی تان قرار دهید. همچنین سعی کنید در رابطه تان تنوع ایجاد کنید. به طور مثال، مکان و زمانی متفاوت را برای رابطه زناشویی تجربه کنید. همچنین برای زیبایی و بهداشت خود اهمیت زیادی قائل شوید چرا که این عامل هم در ترغیب شوهرتان، تاثیر زیادی خواهد داشت.

نکاتی درباره زندگی بهترین بازیکن سال جهان و نگرش بهترین مربی سال جهان به «شکست»

موفقیت «دشان» و «مودریچ» شانسی نبوده است!

مجید حسین زاده | روزنامه نگار

موفقیت

انتظارها به سر رسید و مراسم بهترین‌های سال فوتبال جهان در لندن برگزار شد. همان طور که شنیده اید، بهترین بازیکن جهان در سال ۲۰۱۸ باید از بین «لوکا مودریچ»، «کریستیانو رونالدو» و «محمد صلاح» انتخاب می‌شد که این عنوان به ستاره ۳۳ ساله کروات رئال مادرید رسید. همچنین عنوان بهترین مربی فوتبال مردان جهان در سال ۲۰۱۸ هم باید به یکی از سه مربی برتر یعنی «زین الدین زیدان» سرمربی سابق رئال مادرید، «زلاتکو دالیچ» سرمربی تیم ملی کرواسی و «دیدیه دشان» سرمربی تیم ملی فرانسه می‌رسید که «دشان» این عنوان را از آن خود کرد. در ادامه نگاهی کوتاه به زندگی پر فراز و نشیب «مودریچ» خواهیم داشت و صحبت‌های «دشان» درباره «پیروزی و شکست» که او در مصاحبه‌ای متفاوت از نگاهش به این کلمه گفته است، خواهیم خواند.

خواندنی‌هایی از زندگی پر فراز و نشیب «مودریچ»

از فقر و تنهایی تا توپ طلا

هافبک خلاق تیم ملی کرواسی، متولد ۹ سپتامبر ۱۹۸۵ در کرواسی است و تاکنون در تیم‌های دیناموزاگرب، زرینسکی موستار، اینتر زاپاریسک، تاتنهام و رئال مادرید بازی کرده و ۱۱۵ بازی ملی هم برای تیم ملی فوتبال کرواسی انجام داده است. «لوکا» تابستان ۲۰۱۲ در یک نقل و انتقال پرسروصدا وارد باشگاه رئال مادرید شد و گران قیمت‌ترین بازیکن تاریخ فوتبال کرواسی شد. در این بین باید دانست که شروع فوتبال «مودریچ» اصلا آسان نبوده و شنیدن سختی‌هایی که در این مسیر کشیده است، باور کردنی نیست. به احتمال زیاد، شما هم نمی‌دانید که خانواده او در گیرودار جنگ داخلی در دهه ۹۰ به شهری به نام «زادار» مهاجرت و خانه شان را ترک کردند، سپس پدر بزرگش به دست سربازان صرب به قتل رسید. آن‌ها در زادار ماندند، شهری که مودریچ در آن جا تصمیم گرفت فوتبالش را شروع کند و حتی وقتی که اطرافیانش بعد از پایان جنگ به خانه هایشان برگشتند، او آن جا باقی ماند. مودریچ آن دوران را به خوبی به یاد می‌آورد: «دوستانمان پیش از اتمام جنگ به خانه‌هایشان برمی گشتند و فکر می کردم که والدین‌ام همین کار را انجام دهند اما آن‌ها تصمیم گرفتند، اجازه دهند که پسرشان همان کاری را که می‌خواهد، انجام دهد.» مودریچ سختی دوری از خانواده را آن هم خانواده‌ای فقیر که نیاز مالی به کار کردن پسرشان داشتند، به خوبی درک می کند. آن روزها مادرش خیاطی می کرده و پدرش پس از بازگشت از ارتش به عنوان مسئول فنی در فرودگاه زادار مشغول به کار شده اما این هم بدون مشکل نبوده است. جور کردن پول مدرسه مودریچ آسان نبود. به هر حال او در سال ۲۰۰۰ به آکادمی دیناموزاگرب می‌پیوندند و بعد از آن هر روز بیشتر تلاش می کند و به موفقیت نزدیک‌تر می‌شود. «جیمی ردنپ»، سرمربی سابق تاتنهام او را این گونه توصیف می کند: «او مثل یک غول تمرین و هرگز شکایت نمی کند. با توپ یا بدون توپ درون زمین کار می کند و می‌تواند با یک حرکت کوچک مدافع مقابل اش را محو کند.» همه این موارد نشان می‌دهد که رسیدن به این توپ طلا، اصلا شانسی نبوده و سختی‌های زیادی برای کسب آن کشیده شده است که شاید هیچ گاه دیده نشود و به ذهن فوتبال دوستان نیاید. او خودش را مدیون برانکو هم می‌داند چرا که به نوعی توسط مربی فعلی پرسپولیس کشف شد و استعدادهایش به مرحله بروز رسید. در این بین قابل توجه است که این هافبک کروات همچون بسیاری از هم وطن هایش، اهل حاشیه نیست و فقط روی کارش تمرکز دارد. ویژگی که به طور قطع، یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت‌های اوست.

پاسخ‌های جالب دشان درباره نگاهش به پیروزی و شکست

هر شب کارهایم را آنالیز می‌کنم

شاید درباره افتخارات «دشان» همین کافی باشد که او سومین فرد تاریخ فوتبال لقب گرفته که هم به عنوان بازیکن و هم به عنوان سرمربی توانسته قهرمان جهان شود. «دیدیه دشان» بعد از قهرمانی با فرانسه در جام جهانی اخیر، مصاحبه‌ای متفاوت با یک خبرگزاری خارجی انجام داد و درباره نگاهش به پیروزی و شکست گفت. در ادامه مطلب گزیده‌ای از صحبت‌های او را در این باره می‌خوانید که درس آموز به نظر می‌رسد. او در پاسخ به این سوال که «شکست خنده دار نیست؟»، می گوید: «نه، من از آن بدم می‌آید. از آن متنفرم. اصلا باید از آن متنفر باشم تا پیشرفت کنم. به نظرم این جا تنها جایی است که تنفر خوب است.» دشان در پاسخ به این سوال که «اولین شکست تان را یادتان می‌آید؟»، می گوید: «یادم می‌آید که یک فینال را باختم اما تیم حریف جرزنی نکرده بود (می خندد) اما تیم شان خیلی قوی‌تر بود و این عادلانه نبود.» او این گونه صحبت هایش را ادامه می‌دهد: «آن چیزی که برای من غیر قابل تصور و هضم است، چه زمانی که بازیکن بودم و چه الان که مربی هستم، این است که یک بازی را ببازم و لبخند به لب داشته باشم. قبول دارم که چیزهای خیلی سخت تری در زندگی هست ولی نمی‌توانم به باخت بخندم! هرچند خوشبختانه این روزها خیلی نمی‌بازم.» او درباره این که می گویند بعد از هر شکست با یک من عسل هم نمی‌توان او را خورد، می گوید: «در این زمینه افراطی هستم و تحمل شکست را ندارم. البته که هر شکست یک کسب تجربه است اما الان دیگر نه! الان تجربه دارم و نباید اشتباه کنم. با این حال و در سال‌های اول مربیگری‌ام ۱۰ هزار سوال بعد از هر بازی برایم پیش می‌آمد. چرا این؟ چرا آن؟ اگر فلان می‌شد چی؟ و... اما الان دیگر از این سوال‌ها از خودم نمی‌پرسم. همه تلاشم را این روزها قبل از شروع بازی می‌گذارم. شبی نیست که خودم و کارهایم را آنالیز نکنم. البته نتیجه هم گرفتم.» او درباره نگاهش به شکست هم می گوید: «شکست بخشی از ورزش است و باید قبولش کرد اما مهم‌تر این است که برای برد از هیچ تلاشی دست نکشید. باید از همه ابزارها و جزئیات به درستی استفاده کنیم تا برد به دنبال ما بیاید. البته گاهی فوتبال بی رحم است و در عین شایستگی می‌بازیم. در این حال اگر برای برد همه کار کرده باشیم، کمتر حسرت می‌خوریم و این از همه مهم‌تر است. این یک درس بزرگ است». او به عنوان سوال آخر درباره زمر موفقیت اش هم می گوید: «کاش همه بدانند که من قبل از این که پیروزی را بشناسم، شکست را شناختم و با همه وجود، دردش را حس کردم. این تنها راه پیروزی است و تمام».

منابع: ایسنا، نود، برترین‌ها، ورزش ۳